

امام خمینی و جمع بین فقه جواهری و نظریه زمان و مکان

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال^۱: چگونه می‌توان سخن مرحوم امام خمینی نسبت به تحریم مخالفت با فقه سنتی و تمسک به فقه جواهری را فهم نمود در حالی که همزمان بر عنصر زمان و مکان در فقه تأکید می‌کند و در پاسخ آقای قدیری ردیه‌ای شدیدالحن می‌نویسد که از آن این چنین فهمیده می‌شود که فقه امروزی نمی‌تواند در تشکیل و اداره‌ی حکومت سودمند باشد؟ امیدوارم این موضوع را توضیح دهید.

پاسخ: به نظر من می‌توان بین دیدگاه‌های امام خمینی در این جا جمع کرد از این طریق که مقصود از فقه جواهری فقه کلاسیک به تعبیر شما نیست بلکه مقصود فقه دقیقی است که بر شمولیت و دقت و عدم تساهل استوار است در مقابل فقه سطحی که بر پایه‌های علمی دقیق استوار نیست بلکه می‌خواهد تمام این نتایج فقهی با این عمق و گستره‌ی آن را از طریق افکار جدید عجلولانه‌ای که به اندازه‌ی کافی از برهان و تدقیق برخوردار نیست کنار بگذارد.

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۶۵.

از این رو، نقد امام خمینی که در نامه ی مشهور او برای شیخ قدیری رحمه الله آمده به دنبال تعمیق فقه جواهری است. از طریق اخذ معیارهای جدیدی مثل معیارهای ضرر نوعی و مصالح عامه و... . امام خمینی - در تفسیری که چه بسا بهترین تفسیر برای نظریه ی زمان و مکان امام باشد - معتقد است که مشکل اجتهاد در این برهه در شالوده استدلالی آن که فقه جواهری نامیده می شود نیست بلکه ایراد در این است که تشخیص موضوع - که تغییر آن تغییر حکم را به دنبال خود دارد - با نگاه سطحی و ناپخته میسر نمی شود زیرا بعضا چنین تصوّر می شود که فلان موضوع و حکمش ثابتند اما در واقع برای اهل فن و آگاهان از پیچیدگی های زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی امروز، تغییر یافته محسوب می شود که لازم اش تغییر در حکم است و شاید نقد مرحوم امام در همین راستا باشد علاوه بر اینکه جای خالی فقه حکومتی و ولایتی و اولویت ها در اجتهاد شیعه محسوس است نهایت آن که این مسئله نیازمند تلاش برای توضیح و تعمیق بر اساس قواعد و مبانی فقه جواهری دارد. بر این اساس که روش و منهج فقه جواهر منهج درستی است.